

## جریان‌شناسی تاریخ‌نگاری شیعی در مسئله شهادت ائمه اطهار علیهم‌السلام

j.hojat67@gmail.com

mohammad.hajitaghi@gmail.com

کوه جواد حجت / کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه شهید بهشتی

محمد حاجی تقی / استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه شهید بهشتی

دریافت: ۹۸/۰۶/۱۵ - پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۹

### چکیده

مسئله شهادت ائمه اطهار علیهم‌السلام از مسائل بحث‌برانگیز در بین تاریخ‌نگاران و محدثان بوده است. اهمیت این مسئله به تأثیر آن در میزان نقشی‌آفرینی‌های اجتماعی و سیاسی امامان شیعه برمی‌گردد. بررسی جریان‌شناسانه نگاه علمای شیعه به شهادت ائمه معصوم علیهم‌السلام نشان می‌دهد که مکتب حدیثی قم (شیخ صدوق) شهادت ائمه علیهم‌السلام را فراتر از یک خبر تاریخی، در شمار یکی از باورهای اعتقادی می‌داند (که رد آن معادل کفر است). اما مکتب عقلی بغداد (شیخ مفید) شهادت ائمه علیهم‌السلام را به عنوان یک خبر تاریخی (مثل دیگر اخبار) می‌داند که ارتباطی با عقاید شیعی ندارد (که تأیید و رد آن، تأثیری در ایمان و کفر داشته باشد). بنابراین، گزارش‌های شهادت برخی ائمه علیهم‌السلام را تأیید و بقیه را محل تردید می‌دانند.

تاریخ‌نگاران شیعی بعد از شیخ مفید، تأثیرهایی از هر دو مکتب پذیرفته‌اند. براینکه این اثرپذیری‌ها نشان می‌دهد که بیشتر تاریخ‌نگاران شیعه شهادت همه ائمه علیهم‌السلام را پذیرفته‌اند، اما آن را به عنوان یک باور اعتقادی قلمداد نمی‌کنند.

کلیدواژه‌ها: شهادت ائمه علیهم‌السلام، تاریخ‌نگاری شیعه، شیخ صدوق، شیخ مفید.

یکی از مسائل بحث‌برانگیز در بررسی حیات و سیره ائمه شیعه علیهم‌السلام، مسئله چگونگی وفات ایشان است؛ اینکه آیا این حضرات به مرگ طبیعی از دنیا رفته‌اند یا به وسیله عواملی به قتل رسیده و شهید شده‌اند. یکی از علل اهمیت این مسئله، تأثیر این امر در تحلیلی است که در خصوص مشی سیاسی - اجتماعی ایشان صورت می‌گیرد. در گزارش‌های تاریخی و اخبار متواتر روشن است که برخی از ایشان به قتل رسیده‌اند و وفات ایشان به مرگ طبیعی نبوده است؛ از جمله درباره امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام. با عنایت به این امر که انگیزه قاتلان ایشان خصوصیت‌های شخصی و تسویه حساب‌های قومی و قبیله‌ای نبوده، قتل هر امام نشان‌دهنده نقش آفرینی او در عرصه سیاسی - اجتماعی، و مبین آن است که امام از مداخله در مقوله سیاست و حاکمیت کناره نگرفته و در آن فعالیت جدی داشته است؛ زیرا فارغ از مباحث کلامی مربوط به حقانیت مذهب تشیع و شایستگی اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای حکومت، اگر بر حسب قواعد قبیلگی و انتساب به پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم در نظر بگیریم، اقدام به قتل و ترور فیزیکی شخصیت‌هایی که فرزند پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند (یا درباره امیرمؤمنان علیه‌السلام که داماد، پسرعمو و برادر دینی ایشان در عقد اخوت است) و در جامعه، به علم، زهد، ورع، تقوا، عبادت فراوان، کمک به محرومان و فقرا و خصایص ارزشمند دیگر شهره‌اند، برای قاتلان ایشان پرهزینه بوده است. بنابراین، قتل هر امام، نشان‌دهنده آن است که از جانب ایشان، خطری متوجه قاتلان آن امام بوده و منافع آنها را تهدید می‌کرده است. در واقع، اقدام به قتل ائمه اطهار علیهم‌السلام، نشان‌دهنده نقش آفرینی جدی ایشان در صحنه سیاست جامعه بوده است و نشان می‌دهد که این حضرات خود را از این عرصه برکنار نمی‌دیدند. به بیان دیگر، مبادرت دشمنان ائمه علیهم‌السلام به قتل ایشان، واکنشی است که کنش اجتماعی ایشان را نشان می‌دهد. پس هرچند ممکن است از نظر تاریخی یا روایی میزان و چگونگی فعالیت سیاسی برخی ائمه علیهم‌السلام برای محققان روشن نباشد، اما اگر احراز گردد که ایشان به دست دشمنان خود به قتل رسیده‌اند (و به مرگ طبیعی رحلت نکرده‌اند)، سند محکمی مبنی بر نقش آفرینی امامان شیعه در عرصه اجتماعی و سیاسی است.

در این زمینه، مستقلاً پژوهشی صورت گرفته است. آقای قاسم خانجانی در کتاب **شیخ مفید و تاریخ‌نگاری**، اشاراتی به اندیشه‌های شیخ مفید در این زمینه کرده که البته جامع نیست. از سوی دیگر، این مسئله به شکلی جریان‌شناسانه در تاریخ‌نگاری شیعه بررسی نشده است. این مقاله به دنبال بررسی اندیشه باور به شهادت ائمه اطهار علیهم‌السلام در دو مکتب برجسته شیعه، «مکتب حدیثی قم» و «مکتب عقلی بغداد» و تأثیر آنها بر تاریخ‌نگاری شیعه است. در ادامه، ضمن معرفی اجمالی این دو مکتب، نگاه هریک از آنها به مقوله شهادت ائمه علیهم‌السلام را بررسی می‌کنیم:

## ۱. بررسی مکاتب شیخ صدوق و شیخ مفید

### ۱-۱. شیخ صدوق

شیخ صدوق<sup>۱</sup> به لحاظ روش علمی و معرفت‌شناسی، متعلق به «مکتب حدیثی قم» (مشهور به مکتب «قمیین») Tārikh Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.2, Fall & Winter 2019\_2020  
 ۱. محمدبن علی بن بابویه قمی متولد ۳۰۵ق، معروف به «شیخ صدوق» و ملقب به «رئیس المحدثین»، سرآمد حدیث‌شناسان شیعه است. او، که نزدیک به عصر معصومان می‌زیست، با جمع‌آوری روایات اهل بیت علیهم‌السلام و تألیف آنها در کتاب‌های ارزنده، خدمات کم‌نظیری به

است. محدثان و علمای مکتب حدیثی قم حدیث‌گرا هستند و صدور آراء ایشان (اعم از فتاوا یا دیدگاه‌های تاریخی) صرفاً بر مبنای متن حدیث است، بدون تفریع و رد فرع بر اصل و بحث و مناقشه و نقد و استنتاج. در حقیقت، «کار اجتهادی» به معنای مصطلح، در روش ایشان چندان دیده نمی‌شود.

ابن قولویه قمی<sup>۱</sup> و علی بن بابویه قمی<sup>۲</sup> از جمله علمای متعلق به این مکتب‌اند و برجسته‌ترین شخصیت این مکتب محمدبن علی بن بابویه قمی شیخ صدوق است.

## ۲-۱. شیخ مفید

شیخ مفید<sup>۳</sup> برجسته‌ترین نماینده مکتب عقلی بغداد است. وی راه تازه‌ای میان عقل‌گرایی مطلق معتزله و پیروان شیعه آنان - مانند بنی‌نویخت - و حدیث‌گرایی شیخ صدوق گشوده است. شیخ مفید برای «خبر واحد» حجت قایل نبود.

اسلام و تشیع نمود. او از محضر علمای بسیاری، از جمله پدر خود، علی بن بابویه قمی، کسب فیض کرد و برای جمع‌آوری احادیث حضرات معصوم علیهم‌السلام سفرهای متعددی به نقاط گوناگون، از جمله بخارا، نیشابور، طوس، اصفهان و بغداد انجام داد. فشار حکومت بر شیعیان در قم موجب شد ایشان به بلخ و سپس به درخواست صاحب‌بن عباد، وزیر رکن‌الدوله، دیلمی، و مردم ری عازم شهر ری شود و مقیم آنجا گردد. شیخ صدوق در سال ۳۸۱ق در شهر ری درگذشت و در قبرستان معروف به «ابن بابویه» به خاک سپرده شد. بیش از سیصد کتاب به ایشان نسبت داده شده که بسیاری از آنها از بین رفته است. برخی از برجسته‌ترین آثار باقی‌مانده از ایشان عبارت است از: الخصال، التوحید، المقنع فی الفقه، عیون اخبار الرضا، الامالی، اعتقادات الامامیه، و من لایحضره الفقیه.

۱. شیخ ابوالقاسم، جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن مسرور بن قولویه قمی (م ۳۶۹ق) از برجسته‌ترین چهره‌های راویان شیعه در قرن چهارم هجری است. وی یکی از بهترین شاگردان محمد بن یعقوب کلینی و از برجسته‌ترین مشایخ شیخ مفید به‌شمار می‌آید. ایشان از بارزترین چهره‌های علمی دوران خود بود و روایات او در طول هزار سال پیوسته در مجموعه‌های روایی بزرگ شیعه نقل و به آن استناد می‌شود. او صاحب آثار فراوانی است، به حدی که گفته می‌شود: برای هر باب فقهی، کتابی نوشته است. مشهورترین اثر ایشان کتاب «کامل الزیارات» است که مورد وثوق بسیار علمای شیعه است. فقهای شیعه برای او احترام خاصی قایل‌اند و توثیق بسیاری از روایات شیعه به علت روایت او از آنهاست. شیخ مفید در فقه، شاگرد ایشان بود. ایشان در بغداد رحلت کرد و در حرم کاظمین علیه‌السلام به خاک سپرده شد.

۲. ابوالحسن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (م ۳۲۹ق) از محدثان و علمای برجسته شیعه است که در عصر خود، رئیس فقها، محدثان و پیشوای مردم قم بود. وثوق او و نزدیکی‌اش با عصر ائمه معصوم علیهم‌السلام موجب شده علما فتاوی ایشان را کاشف از وجود حدیثی در آن زمینه قلمداد کنند و اعتماد کاملی به نظریات او داشته باشند. ایشان آثار متعددی دارد که از جمله آنها شرائع است. علی بن بابویه پدر شیخ صدوق و استاد اوست. وی در سال ۳۲۹ق در قم رحلت کرد و نزدیک حرم حضرت معصومه علیها‌السلام مدفون گشت.

۳. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، در سال ۳۳۶ یا ۳۳۸ق، در قریه‌ای از توابع «عکبری» نزدیک بغداد، در یک خانواده اصیل و عمیق در مذهب تشیع دیده به جهان گشود. شاگردان ایشان، که پس از رحلتش پرچمدار و زعیم شیعه شدند - به ترتیب - سید مرتضی (مشهور به علم‌الهدی) و شیخ طوسی شخصیت‌های برجسته این مکتب‌اند که راه استاد خود را ادامه دادند و در زمینه مبانی ایشان کار کردند و با تألیف کتاب و تربیت شاگردان، این مکتب را گسترش داده و تثبیت نمودند. بنا بر نقل شیخ طوسی، شیخ مفید قریب دوپست کتاب تألیف نموده که البته بسیاری از آنها به دست ما نرسیده است. برخی از مشهورترین این آثار عبارت است از: المقنع، الإرشاد، احکام النساء، الامالی، الجمل، اوائل المقالات، المسائل الصغانیه، الإفصاح، الاختصاص، تصحیح

بنابراین، خبر واحد را مبنای عقیده و اصول دین نمی‌دانست، مگر اینکه عقل آن را تأیید کند. در حقیقت، شیخ مفید بنیانگذار یک مکتب عقلی است که در آن نه، عقل‌گرایی افراطی (بدون توجه به احادیث ائمه معصومان علیهم‌السلام) وجود دارد و نه حدیث‌گرایی محض (بدون بهره‌گیری از ادله عقلی). از این مکتب با عنوان «مکتب عقلی بغداد» یاد می‌کنیم. در مجموع، می‌توان گفت: شیخ مفید بنیانگذار مکتبی در فقه و کلام شیعه شد که با وجود تغییر و تطور و شکوفایی این علوم، طی قرون متعددی، همچنان چارچوب آن پابرجاست. علم کلام به وسیله شیخ مفید ابتدا تدوین و حدود و ثغور آن مشخص گردید. در اثر فعالیت علمی او، کلام شیعی صراط مستقیم خود را یافت و از سقوط در ورطه اخباری‌گری (حدیث‌گرایی محض) و عقل‌گرایی به سبک معتزله نجات پیدا کرد. کتاب *تصحیح الاعتقادات*<sup>۱</sup> (در تبیین عقاید شیعی و نقد آراء شیخ صلوق) و کتاب *اوائل المقالات*<sup>۲</sup> (در تبیین عقاید و ترسیم تمایز آن با مکتب اعتزال) نشان‌دهنده این نقش مهم شیخ مفید است.

## ۲. مقایسه دو مکتب درباره شهادت ائمه اطهار علیهم‌السلام

در مسئله «باور به شهادت ائمه معصوم علیهم‌السلام» دو مکتب حدیثی و عقلی تفاوت مهمی با یکدیگر دارند. یک بُعد این تفاوت مربوط به اصل باور به شهادت ائمه علیهم‌السلام و بُعد دیگر، که به لحاظ اعتقادی و کلامی اهمیت می‌یابد، جایگاه باور به شهادت ائمه علیهم‌السلام در اعتقادات شیعه است.

شیخ صلوق در کتاب *اعتقادات الامامیه*<sup>۳</sup>، قابل به شهادت رسول صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و همه ائمه علیهم‌السلام است و کسانی که آن را نپذیرند، خارج از

اعتقادات الإمامی، تفضیل امیرالمؤمنین علیه‌السلام و عدم سهو النبی صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دوران حیات شیخ مفید مقارن با حاکمیت آل بویه بود و فضای حکومت آل بویه و تلاششان در ترویج شعایر دینی و شیعی، شرایط مناسبی برای او مهیا کرد تا به ترویج معارف اهل بیت علیهم‌السلام بپردازد. البته زندگی ایشان برکنار از فشار و تهدید و تبعید نبود. او بعد از مرگ عضدالدوله - که آل بویه رو به ضعف رفت - بارها مورد تعرض و تهدید و فشار قرار گرفت و چند بار از بغداد تبعید شد. این اثیر در الکامل، به فتنه‌های بغداد و محنت‌های شیخ مفید اشارتی دارد. شیخ مفید در رمضان سال ۴۱۳ق در سن ۷۶ سالگی رحلت کرد. پیکر ایشان در حرم کاظمین علیه‌السلام و پایین پای حضرت ابی جعفر امام جواد علیه‌السلام و در کنار استادش ابن قولویه قمی به خاک سپرده شد.

۱. کتاب *تصحیح الاعتقادات* در نقد کتاب *الاعتقادات* شیخ صدوق نگاشته شده و به بررسی استدلالی کتاب مزبور پرداخته و با بیانی برهانی، نظریات شیخ صدوق را رد یا اثبات کرده است. کتاب *تصحیح الاعتقادات*، از اعتبار خاصی برخوردار است و از زمان نگارش تا حال پیوسته مطمح نظر علما و فقهای شیعه قرار داشته و در کتب گوناگون، از آن نقل مطلب شده است. این کتاب برای شناخت و تحقیق در عقاید شیعه و شناخت مباحث عقیدتی مطرح در قرن چهارم هجری و عصر شیخ مفید، کنای ارزشمند و قابل توجه است.

۲. *اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات* یکی از مهم‌ترین کتب کلامی شیعه به شمار می‌آید، بلکه می‌توان ادعا کرد که برای این کتاب، نظیری بین کتب کلامی نیست، به گونه‌ای که با حجم بسیار کم، مشتمل بر صدها مسئله کلامی و اعتقادی است. مَثَل آن، در بین دیگر کتب، مَثَل خود مؤلف است بین علما که از جامعیت و ویژه‌های برخوردار است. این کتاب، از همان زمان حیات مؤلف، شهرت داشته و تا به امروز، علما در نوشته‌های متعدد خود، به آن استناد کرده‌اند. در طول این هزار سال، هرگز این کتاب، در حوزه‌های علمیه، متروک و مغفول واقع نشده است. این کتاب را مؤلف به زبان عربی و در اثبات تفاوت دیدگاه‌های کلامی شیعه و معتزله و برخی مذاهب دیگر نوشته است.

۳. *الاعتقادات* کتابی است کلامی که مرحوم شیخ صدوق در آن، با استناد به روایات و احادیث رسیده از معصومان - علیهم‌السلام - به اثبات عقاید شیعی می‌پردازد. از آن رو که شیخ صدوق اساساً یک محدث بود، چه در فقه و چه در عقاید، خود را محدود به

دین می‌داند او می‌نویسد: «در اخبار از پیامبر ص و ائمه ع آمده است که ایشان به قتل می‌رسند و هر کس این امر را منکر شود آنها را تکذیب کرده است و هر کس آنها را تکذیب کند خدا را تکذیب کرده و این به معنای کفر به خلوند متعال و خروج از دین اسلام است! <sup>۱</sup> ایشان برای تمام ائمه ع و رسول خدا ص علت شهادت و نام قاتل را ذکر نموده است. شهادت پیغمبر ص را به علت مسمومیت در جنگ خیبر (توسط زن یهودی)، شهادت امیرالمؤمنین ع را با ضربت/ابن ملجم، شهادت امام مجتبی ع را به علت مسمومیت توسط جعه دختر/اشعث (همسر ایشان)، شهادت امام حسین ع را در کربلا به وسيله سنان بن انس، شهادت امام سجاد ع را به علت مسمومیت توسط ولید بن عبدالمک، شهادت امام باقر ع را به وسيله مسمومیت توسط ابراهیم بن ولید، شهادت امام صادق ع را با مسمومیت توسط منصور دوانیقی، شهادت امام موسی بن جعفر ع به علت مسمومیت توسط هارون الرشید، شهادت امام رضا ع را با مسمومیت به دست مأمون، شهادت امام جواد ع را به دلیل مسمومیت توسط معتصم، شهادت امام هادی ع را به علت مسمومیت به وسيله معتضد <sup>۲</sup> و شهادت امام حسن عسکری ع را به علت مسمومیت به دست معتمد عباسی می‌داند.

در باور شیخ صدوق (مکتب حدیثی) فارغ از پذیرش خبر شهادت ائمه معصوم ع، این امر یکی از اعتقادات شیعه است که رد و تکذیب آن به منزله کفر و خروج از دین به شمار می‌رود!

*ابن قولویه قمی* (شخصیت برجسته دیگر مکتب حدیثی قم)، هم شهادت همه ائمه ع را پذیرفته و در مقدمه کتاب *کامل الزیارات* <sup>۳</sup> می‌نویسد: با وجود توصیه‌هایی که نبی مکرم ص درباره ائمه و اهل بیت خود ع به مردم کرده بود (برای ابراز محبت به ایشان و زیارتشان در حیات و ممات)، آنها بر خلاف دستور پیامبر ص به جای محبت به ائمه ع، آنها را کشتند <sup>۴</sup> روایتی هم با بیان‌های گوناگون از بعضی ائمه ع در خصوص تصریح به شهادت همه ایشان نقل شده است <sup>۵</sup> که فرمودند:

معارف قرآن و روایات می‌دید. این التزام تا بدان حد بود که حتی در کتاب‌های فقهی و اعتقادی‌اش، از الفاظ و تعابیر احادیث سود می‌جست و تا حد ممکن از آوردن آراء خویش پرهیز می‌کرد. کتاب المقنع در فقه، و کتاب الاعتقادات (عقاید امامیه) نمایانگر تفکر و بیانگر سبک و شیوه اوست. در واقع، باید کلام این بابویه (صدوق) را متون احادیث دانست که با کمترین تصرف ممکن در قالب یک نظام کلامی ریخته شده و تدوین گشته است. این کتاب پس از نگارش توجه جدی متکلمان را برانگیخت. برخی از مطالبی که شیخ صدوق در کتاب خود به عنوان عقاید کلامی امامیه مطرح نموده به شدت بحث برانگیز بوده و نقد برخی از عالمان دیگر، از جمله شاگرد شیخ صدوق، شیخ مفید، را در پی داشته است. شیخ مفید، که در اثبات عقاید کلامی به عقل استناد می‌جست، در نقد و بررسی کتاب استاد خویش، کتاب تصحیح اعتقادات الامامیه را نگاشت.

۱. محمدبن علی صدوق، اعتقادات الامامیه، ص ۹۷-۹۹.

۲. البته مطابق بیشتر روایات تاریخی، امام هادی ع در زمان معتز عباسی به شهادت رسیده است، نه معتضد.

۳. محمدبن علی صدوق، اعتقادات الامامیه، ص ۹۷-۹۹.

۴. کتاب کامل الزیارات مجموعه روایاتی از ائمه ع درباره شیوه زیارت حضرت رسول خدا ص و دیگر امامان و امامزادگان ع و ثواب و فضل آن است. این کتاب مشهورترین اثر ابن قولویه قمی و از معتبرترین و مهم‌ترین کتب متقدم روایی شیعه بوده و همه روایات آن توثیق شده است.

۵. جعفر بن محمد بن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۳.

۶. «ما منّا الا مقتول او شهید»؟ «ما منّا الا مقتول او مسموم».

«همه ما ائمه مقتول یا شهید از دنیا می‌رویم». در بیان دیگر فرمودند: «همه ما ائمه مقتول یا مسموم از دنیا می‌رویم». شیخ صدوق این روایت را در آثار گوناگون خود، از جمله من لایحضره الفقیه،<sup>۲</sup> و عیون اخبار الرضا<sup>۳</sup> ذکر کرده است. در ادامه مقاله خواهیم دید که تاریخ‌نگاران شیعه بعد از شیخ مفید هم به این روایات استناد می‌کنند. شیخ مفید در کتاب تصحیح الاعتقادات درباره وفات و شهادت پیامبر ﷺ و ائمه<sup>۴</sup> در نقد نظر شیخ صدوق می‌نویسد: برخی از این اخبار نزد ما ثابت شده و برخی ثابت نشده است. ایشان شهادت امیرالمؤمنین<sup>۵</sup>، امام مجتبی<sup>۶</sup>، امام حسین<sup>۷</sup> و امام موسی بن جعفر<sup>۸</sup> را پذیرفته و درباره امام رضا<sup>۹</sup> احتمال قوی‌تر را به شهادت ایشان داده است. اما در خصوص بقیه ائمه<sup>۱۰</sup> می‌نویسد: خبر یقینی درباره آنها نیست و حکم قطعی بر شهادت ایشان نمی‌توان داد.<sup>۴</sup> شیخ مفید اصراری بر ردّ قطعی یا تأیید قطعی شهادت ائمه<sup>۱۱</sup> ندارد؛ زیرا اساساً این مسئله را گره خورده به اعتقادات و کلام شیعی نمی‌داند. ایشان باور به شهادت هریک از ائمه<sup>۱۲</sup> را به عنوان یک خبر تاریخی، درخور بررسی و تحقیق می‌داند و هریک از آنها را که برایش ثابت شده باشد، می‌پذیرد. به بیان دیگر، نقطه اساسی اختلاف «مکتب حدیثی» و «مکتب عقلی» درباره مسئله شهادت ائمه<sup>۱۳</sup>، جایگاه آن در اعتقادات شیعی است؛ یکی آن را در زمره اعتقادات اساسی دانست و دیگری آن را از اعتقادات نمی‌داند. اختلاف در این باره که کدام یک از ائمه<sup>۱۴</sup> به شهادت رسیده‌اند و کدام یک به مرگ طبیعی رحلت کرده‌اند، مسئله دوم و فرع بر مسئله اول است.

همچنین شیخ طوسی<sup>۱۵</sup> (از برجسته‌ترین علمای مکتب عقلی بغداد و شاگرد شیخ مفید و سید مرتضی علم‌الهدی) در کتاب تهذیب الاحکام، بخشی را به نقل زیارات اهل بیت<sup>۱۶</sup> اختصاص داده است. هرچند در شرح حال مختصر هریک از ایشان (قبل از بیان زیارت)، فقط به شهادت رسول خدا<sup>۱۷</sup>، امیرالمؤمنین<sup>۱۸</sup>، امام حسن مجتبی<sup>۱۹</sup>، امام حسین<sup>۲۰</sup> و امام موسی بن جعفر<sup>۲۱</sup> اشاره کرده؛ اما در انتهای زیارات هریک از ائمه<sup>۲۲</sup>، «زیارت جامعه کبیره» را از امام هادی<sup>۲۳</sup> نقل نموده

Tārikh Islam dar Āyene-ye Pazhuhesht \_\_\_\_\_ Vol.16, No.2, Fall & Winter 2019\_2020

۱. محمدبن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵.
۲. محمدبن علی صدوق، الأمالی، ص ۶۱۱ و ۶۳.
۳. محمدبن علی صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۵۶ و ۲۶۳.
۴. محمدبن محمدبن نعمان مفید، تصحیح الاعتقادات، ص ۱۳۱-۱۳۲.
۵. محمدبن حسن بن علی بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)، مشهور به «شیخ الطائفه» و شیخ طوسی از برجسته‌ترین شاگردان شیخ مفید و سید مرتضی علم‌الهدی و علمای مکتب عقلی بغداد است. از جمله مشهورترین آثار ایشان، تهذیب الاحکام و الاستبصار (از کتب اربعه شیعه) است. شیخ طوسی بعد از سید مرتضی علم‌الهدی، زعيم شیعه شد و با توجه به آزارهای فراوانی که در بغداد دید، به نجف رفت و حوزه علمیه نجف را پایه‌گذاری کرد. ایشان در سال ۴۶۰ق رحلت نمود و در خانه خود (که بنا به وصیتش بعداً به مسجد تبدیل شد) نزدیک حرم امیرالمؤمنین<sup>۶</sup> به خاک سپرده شد.

۶. محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶ ص ۲.

۷. همان، ج ۶ ص ۱۹.

۸. همان، ج ۶ ص ۳۹.

۹. همان، ج ۶ ص ۴۱.

۱۰. همان، ج ۶ ص ۸۱.

که در یکی از فرازهای آن، به شهادت همه ائمه علیهم‌السلام اشاره شده است: «و جان خود را برای رضای خدا فدا کردید»<sup>۱</sup> با توجه به نقل این زیارت، می‌توان گفت: شیخ طوسی شهادت همه ائمه علیهم‌السلام را پذیرفته است. البته این زیارت را شیخ صدوق هم نقل کرده است.<sup>۲</sup>

در ادامه، به بررسی دیدگاه‌های شیخ مفید درباره شهادت ائمه علیهم‌السلام در آثار ایشان می‌پردازیم؛ بعد از آن، آراء برجسته‌ترین تاریخ‌نگاران شیعه بعد از شیخ مفید در مسئله شهادت ائمه علیهم‌السلام بررسی می‌شود تا روشن گردد تا چه حد از هریک از مکاتب حدیثی و عقلی متأثر شده‌اند.

### ۳. دیدگاه شیخ مفید درباره شهادت ائمه علیهم‌السلام در آثار گوناگون

بیان شد که شیخ مفید شهادت ائمه علیهم‌السلام را به عنوان یک خبر تاریخی – (و نه باوری اعتقادی) – می‌داند با نگاهی به آثار ایشان، روشن می‌شود که در این زمینه، نکات قابل ملاحظه‌ای در آثار گوناگون وجود دارد که به این مسئله از زوایای متفاوت نگاه کرده است:

#### ۳-۱. نکته اول

شیخ مفید در کتاب *المقنعه* درباره وفات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌نویسد: ایشان به علت مسمومیت از دنیا رفت.<sup>۳</sup> اما همان‌گونه که بیان شد، ایشان در *تصحیح الاعتقادات* اشاره می‌کند که برخی از موارد قطعی، و برخی محل تردید است. سپس شهادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، امام مجتبی علیه‌السلام، امام حسین علیه‌السلام و امام موسی بن جعفر علیه‌السلام را قطعی می‌شمارد و شهادت امام رضا علیه‌السلام را با احتمال قوی مطرح می‌کند.<sup>۴</sup> شهادت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در زمره موارد قطعی نمی‌داند.

#### ۳-۲. نکته دوم

شیخ مفید در کتاب *اوائل المقالات* در سرفصل مربوط «احوال پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام بعد از وفات» در پاسخ به مخالفان زنده بودن و منتعم بودن حضرات معصوم علیهم‌السلام در بهشت الهی بعد از رحلت، به آیات ۱۶۹ و ۱۷۰ سوره آل عمران<sup>۵</sup> و آیات ۲۶ و ۲۷ سوره یس<sup>۶</sup> استناد می‌کند و می‌نویسد:

از خاندان بنی‌نوبخت، سخنی برخلاف این به من رسیده است. همچنین با جماعتی قاصر از معرفت، که به امامیه

متنسباند، ملاقات نمودم که به این رأی گردن نمی‌نهند، درحالی که خدای تعالی در آیه‌ای که به این امر دلالت

دارد، می‌فرماید: «هرگز کسانی را که در راه خدا به قتل رسیده‌اند مرده مپندار، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان

Tārikh Islam dar Āyene-ye Pazhuhehsh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.2, Fall & Winter 2019\_2020

۱. همان، ج ۶ ص ۹۷.

۲. محمدبن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۹؛ همو، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۲.

۳. محمدبن محمدبن نعمان مفید، المقنعه، ص ۴۵۶.

۴. محمدبن محمدبن نعمان مفید، تصحیح الاعتقادات، ص ۱۳۱-۱۳۲.

۵. «وَ لَاتَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ فَرِحِينَ بِمَا أَنَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يُلْهِقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَآ هُمْ يَخْزَنُونَ».

۶. «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ».

روزی داده می‌شوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است، شادمانند و به آنها که از پی ایشان اند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند، بشارت می‌دهند که نه ییمی بر ایشان است و نه اندوهگین می‌شوند.» آیات دیگری هم که در پی این آیه‌اند نیز بر این باور، دلالت دارند. همچنین خداوند در قصه مؤمن آل فرعون ۱ می‌فرماید: «[سرانجام به جرم ایمان کشته شد و به او] گفته شد: به بهشت درآی. گفت: کاش قوم من می‌دانستند که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و در زمره عزیزانم قرار داد.»<sup>۲</sup>

از این بیان شیخ مفید دو برداشت می‌توان داشت:

اول. با توجه به اینکه مقام حضرت رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام نزد خدا بالاتر از شهادت و این آیه تصریح دارد که شهدا زنده‌اند و نزد خداوند متعم، پس به طریق اولی، پیامبر و ائمه علیهم‌السلام از چنین حیاتی و نعم الهی بهره‌منداند. دوم. با توجه به اینکه موضوع بحث متعم بودن پیامبر و ائمه علیهم‌السلام است، شیخ مفید پیامبر و همه ائمه علیهم‌السلام را شهید می‌داند و مصداقی از این آیه شریفه. بنابراین، فلذا با استناد به این آیه، آن ذوات مقدس را زنده و متعم نزد خدا می‌داند. با فرض دوم، شیخ مفید قایل به شهادت همه ائمه علیهم‌السلام است (که متفاوت از بیان او در *تصحیح الاعتقادات* است)، و با فرض اول، ایشان نکته جدیدی نسبت به *مطلب تصحیح الاعتقاد* نگفته است.

### ۳-۳. نکته سوم

در کتاب *الارشاد*<sup>۳</sup> درباره بیشتر ائمه علیهم‌السلام ابتدای باب مربوط به حیات ایشان، تعبیر «وفاته و سببها» (درگذشت او و سبب آن) آورده و در برخی موارد که شهادت آن امام را پذیرفته (مثل امیرالمؤمنین علیه‌السلام، امام مجتبی علیه‌السلام و امام موسی بن جعفر علیه‌السلام)، به ذکر علت شهادت هم پرداخته. اما در موارد دیگر، با وجود ذکر تعبیر «سببها» در عنوان، در متن، اشارهای به علت وفات امام نکرده است.

این امر در خصوص امام سجاده علیه‌السلام<sup>۴</sup>، امام باقر علیه‌السلام<sup>۱</sup>، امام جواد علیه‌السلام<sup>۲</sup> و امام هادی علیه‌السلام<sup>۳</sup> در *الارشاد* آمده است. (عین

Tārikh Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.2, Fall & Winter 2019\_2020

۱. البته در تفاسیر این‌گونه ذکر شده که داستان بیان شده در سوره یس مربوط به شهر انطاکیه است که سه تن از رسولان الهی برای هدایت مردم به آنجا رفتند و مؤمنی که به دفاع از ایشان پرداخت توسط مشرکان شهر به شهادت رسید. مشخص نیست چرا شیخ مفید از این شخص به عنوان «مؤمن آل فرعون» یاد کرده است. اما روشن است که این شخص به دست کفار به قتل رسیده و استناد شیخ هم بیشتر ناظر به همین امر است که شهید به چه جایگاهی می‌رسد.

۲. محمدبن محمدبن نعمان مفید، *اوائل المقالات*، ص ۷۲-۷۳.

۳. کتاب الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، که شیخ مفید در سال ۴۱۱ یعنی دو سال مانده به ارتحالش (در اوج شهرت علمی) نگاشته است، به بیان زندگانی و فضایل ائمه شیعه علیهم‌السلام می‌پردازد. این کتاب از منابع روایی برجسته شیعه محسوب می‌شود و علمای شیعه بعد از او، بهره‌های فراوانی از مطالب و سبک تاریخ‌نگاری ایشان در الارشاد کرده‌اند. نصف حجم این کتاب به سیره و فضایل امیرالمؤمنین علیه‌السلام اختصاص دارد که زاویه نگاه شیخ در نگارش حیات آن حضرت (و حتی دیگر ائمه علیهم‌السلام) در جهت اثبات حقانیت مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است.

۴. محمدبن محمدبن نعمان مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۱۳۷، *بَابُ ذِكْرِ الْأِمَامِ بَعْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ* وَ تَارِيخِ مَوْلِدِهِ وَ دَلَائِلِ إِمَامَتِهِ وَ مَبْلَغِ سِنِهِ وَ مُدَّةِ خِلَافَتِهِ وَ وَقْتِ وَفَاتِهِ وَ سَبَبِهَا وَ مَوْضِعِ قَبْرِهٖ وَ عَدَدِ أَوْلَادِهِ وَ مُخْتَصَرٍ مِنْ أَخْبَارِهِ.



عبارات شیخ مفید در پاورقی ذکر شده است). ذکر نشدن سبب وفات ائمه علیهم‌السلام با وجود بیان آن در عنوان ابتدایی بحث، در خصوص امامانی که در سنین نسبتاً بالایی وفات کرده‌اند (مثل امام سجاد علیه‌السلام و امام باقر علیه‌السلام که قریب ۵۷ سال داشتند) شاید چندان محل سؤال نباشد (و این سن و سال برای مرگ طبیعی، عجیب نیست). اما این امر در خصوص امام جواد علیه‌السلام و امام هادی علیه‌السلام (که در ۲۵ و ۴۲ سالگی از دنیا رفتند)، سؤال‌برانگیز است.

در برخی از جاهای کتاب *الارشاد*، نکات دیگری هم درباره این موضوع آمده است؛ از جمله اینکه شیخ مفید درباره امام جواد علیه‌السلام بحث مسمومیت را همراه با احتمال مطرح می‌کند، اما اشاره دارد که این موضوع نزد من ثابت شده نیست.<sup>۴</sup> در خصوص امام صادق علیه‌السلام هم تعبیر «وفاته و سببها» نیامده است. ولی درباره ایشان، روایتی را در *الارشاد* آورده که منصور دوانیقی، امام صادق علیه‌السلام را تهدید به قتل کرد، منصور، امام صادق علیه‌السلام را نزد خود احضار کرد و به ایشان گفت: «خدا مرا بکشد، اگر تو را نکشم! آیا به سلطنت من کافر (منکر) شدی و نابودی مرا می‌خواهی؟»<sup>۵</sup> هرچند غیظ منصور دوانیقی نسبت به امام صادق علیه‌السلام و احضار و تهدید به قتل ایشان، قول شهادت را تقویت می‌کند، ولی شیخ مفید اشاره صریحی به آن نکرده است.

درباره امام حسن عسکری علیه‌السلام در ابتدای فصل حیات ایشان و عنوان ابتدایی بحث، عبارت مذکور نیامده و در پایان بیان سیره آن حضرت، تصریح می‌کند که ایشان بیمار شد و از دنیا رفت.<sup>۶</sup> اما قبل از بیان وفات امام حسن عسکری علیه‌السلام در بخش مربوط به فضایل و معجزات ایشان، قضیه‌ای را بدین شرح از یکی از دولت‌مردان عباسی نقل می‌کند:

هنگامی که حسن بن علی از دنیا رفت به خلیفه و یارانش حالتی دست داد که من شگفت‌زده شدم و گمان نداشتم در مرگ هیچ‌کس چنین شود؛ زیرا وقتی حسن بن علی بیمار شد خلیفه پیش پدرم فرستاد که این‌الرضا بیمار شده! پدرم همان ساعت سوار بر مرکب شد و به دارالخلافه رفت، سپس شتابان بازگشت. پنج تن از خدمت‌گزاران مخصوص خلیفه با او بودند که همگی از معتمدان و نزدیکان او بودند، و در میان ایشان نحیر (یکی از دربانان مخصوص خلیفه) بود و به ایشان دستور داد پیوسته ملازم خانه حسن بن علی باشند و از حال او اطلاع یابند، آن‌گاه به چند تن از پزشکان پیغام داد که به عیادت او بروند و هر صبح و شام از او دیدن کنند. چون دو، سه روز گذشت گزارش دادند که (بیماری اش سخت شده و) ناتوان گشته است. پدرم به پزشکان دستور داد در خانه‌اش بمانند و بیرون نروند، و

۱. همان، ص ۱۵۷، باب ذکر الإمام بعد علی بن الحسین علیه‌السلام و تاریخ مولده و دلائل امامته و مبلغ سنه و مدة خلافته و وقت وفاته و سببها و موضع قبره و عدد اولاده و مختصر من أخباره.
۲. همان، ص ۲۷۳، باب ذکر الإمام بعد ابی الحسن علی بن موسی علیه‌السلام و تاریخ مولده و دلائل امامته و طرف من أخباره و مدة امامته و مبلغ سنه و ذکر وفاته و سببها و موضع قبره و عدد اولاده و مختصر من اخبارهم.
۳. همان، ص ۲۹۷، باب ذکر الإمام بعد ابی جعفر محمد بن علی علیه‌السلام و تاریخ مولده و دلائل امامته و طرف من اخباره و مدة امامته و مبلغ سنه و ذکر وفاته و سببها و موضع قبره و عدد اولاده و مختصر من اخباره.
۴. همان، ص ۲۹۶.
۵. همان، ص ۱۸۲-۱۸۳.
۶. همان، ص ۳۳۶.

پیش قاضی القضاة فرستاد. هنگامی که او آمد به او دستور داد ده تن از کسانی را که به دین و امانت و پرهیزگاری شان اطمینان دارد حاضر کند. وقتی آمدند، همه را به خانه حسن علیه السلام فرستاد، و دستور داد شب و روز در آنجا بمانند؛ و آنها همچنان آنجا بودند تا آن جناب از دنیا رفت. وقتی خبر وفات او برآکنده شد، شهر سامره یکپارچه شیون شد، بازارها تعطیل گشت، و بنی هاشم و سران سپاه و نویسندگان و معتمدان و عدول و دیگر مردمان سوار شدند و بر جنازه او حاضر شدند، و سامره آن روز شبیه قیامت و روز رستاخیز شده بود. وقتی از کار غسل و کفن او فارغ شدند، خلیفه به نزد ابوعیسی پسر متوکل فرستاد که بیاید و بر جنازه او نماز بخواند. هنگامی که جنازه را برای نماز آوردند، ابوعیسی نزدیک آمد و پارچه را از روی صورت آن حضرت برداشت و به بنی هاشم، علویان و عباسیان، و سران سپاه و نویسندگان و قضاة و عدول گفت: این حسن بن علی بن محمد، ابن الرضا است که به مرگ خود از دنیا رفته و از پیش کاران و خدمت گزاران مخصوص خلیفه فلاتی و فلاتی... و از قضاة فلاتی و فلاتی... و از پزشکان فلاتی و فلاتی... هنگام مرگ در بایش بوده‌اند (و همگی گواه‌اند که به مرگ طبیعی از دنیا رفته است). آن گاه روی آن جناب را پوشاند و بر او نماز خواند و دستور داد جنازه را برداشتن و دفن کردند.<sup>۱</sup>

اینکه معتمد عباسی بدین شکل پیگیر احوالات امام حسن عسکری علیه السلام بوده و بعد از وفات ایشان، ابوعیسی پسر متوکل (به نمایندگی از خلیفه) تلاش داشته که با گواه گرفتن برخی شهود (از قضاة گرفته تا پزشکان) وفات آن حضرت را به مرگ طبیعی نشان دهد، احتمال شهادت ایشان و دست داشتن معتمد در آن را تقویت می‌کند. البته شیخ مفید - همان گونه که اشاره شد - به شهادت ایشان تصریح نمی‌کند. علت این عدم تصریح، می‌تواند به این امر برگردد که شیعیان غالباً خلفا را مسئول شهادت ائمه علیهم السلام می‌دانستند و شیخ مفید نمی‌خواسته است در این زمینه متهم شود.

البته یک نقل دیگر در *الارشاد* هم دل بر این است که خلیفه عباسی به دنبال قتل امام حسن عسکری علیه السلام بوده است. اقدام تحریر (از دولت مردان عباسی) در انداختن آن حضرت در قفس درندگان (با هماهنگی خلیفه) در این زمینه قابل ملاحظه است.<sup>۲</sup> در واقع، در بیشتر مواردی که تعبیر «وفاته و سبها» از طرف شیخ مفید در متن به کار گرفته شده، به سبب وفات اشاره‌ای نشده است. البته مواردی که قابل به شهادت ائمه علیهم السلام است و به آن تصریح دارد، با بیان ایشان در *تصحیح الاعتقاد* مطابقت دارد (و سبب وفات در *الارشاد* ذکر شده است)، بجز درباره امام رضا علیه السلام که در نکته بعدی به آن اشاره می‌شود.

قابل ذکر است که در بعضی نسخه‌های کتاب *الارشاد* تعابیری در ابتدای فصول به چشم می‌خورد که با ذکر عنوان «شهادته» یا «سبها» اشاره صریحی به شهادت ائمه علیهم السلام دارد.<sup>۳</sup> با بررسی نسخ و چاپ‌های گوناگون از کتاب *الارشاد* روشن می‌شود که این تعابیر، که در ابتدای فصول گوناگون حیات ائمه علیهم السلام آمده مربوط به خود شیخ مفید نبوده و برخی مستسخان براساس دیدگاه خود، بعدها این تعابیر را در ابتدای فصول گنجانده‌اند. بنابراین، در بررسی دیدگاه شیخ مفید نمی‌تواند قابل استناد باشد.

Tārīkh Islam dar Āyene-ye Pazhūsh Vol.16, No.2, Fall & Winter 2019\_2020

۱. همان، ص ۳۲۴.

۲. همان، ص ۳۳۴.

۳. فصل فی تاریخ ولادة الامام السجاد علیه السلام و شهادته و نصّ علی امامته / فصل فی تاریخ ولادة الامام الجواد علیه السلام و شهادته و ما یخصه / فصل فی الدخول الامام الهادی الی سامراء بدعوة من المتوکل العباسی و استشهاده فیها / فصل فی تاریخ ولادة الإمام الحسن العسکری علیه السلام و شهادته و ما یخصه.

### ۳-۴. نکته چهارم

همان‌گونه که در بحث شهادت ائمه علیهم‌السلام اشاره شد، شیخ مفید در کتاب *تصحیح الاعتقادات*، شهادت امام رضا علیه‌السلام را با احتمال قوی پذیرفته است. اما در *الارشاد* ایشان روایاتی را در خصوص شهادت امام رضا علیه‌السلام به دست مأمون نقل می‌کند و در انتها می‌نویسد: این نحوه مسموم کردن، از روش‌های ماهرانه و دقیق است.<sup>۱</sup> در ابتدای این فصل هم با عنوانی بحث را شروع می‌کند که تعبیر «وفاته و سببها» در آن آمده است.<sup>۲</sup>

### ۴. جمع‌بندی دیدگاه شیخ مفید درباره شهادت ائمه علیهم‌السلام

در جمع‌بندی دیدگاه شیخ مفید درباره شهادت ائمه علیهم‌السلام باید گفت: نکته اساسی این است که شیخ مفید (به عنوان نماینده برجسته مکتب عقلی) باور به شهادت ائمه علیهم‌السلام را به اعتقادات شیعی گره نمی‌زند و مانند مکتب حدیثی آن را جزو باورهای کلامی امامیه نمی‌شمارد. او فقط در مواردی به شهادت تصریح می‌کند که برایش ثابت شده باشد. از سوی دیگر، او اصراری بر این ندارد که بقیه ائمه به مرگ طبیعی از دنیا رفته‌اند، بلکه قایل است ادله کافی برای تصریح به این امر نیافته است.

### ۵. تأثیرپذیری تاریخ‌نگاران شیعه از دو مکتب

پس از تشریح دیدگاه‌های دو مکتب عقلی و حدیثی در خصوص شهادت ائمه علیهم‌السلام آراء چند تن از برجسته‌ترین تاریخ‌نگاران و علمای شیعه را در زمینه نگارش سیره ائمه علیهم‌السلام بررسی می‌کنیم که معلوم شود تا چه اندازه از این دو مکتب تأثیر پذیرفته‌اند. انتخاب این تاریخ‌نگاران براساس دو شاخص است: اولاً، از قرون گوناگون (از بعد از شیخ مفید تا زمان معاصر) انتخاب شده‌اند تا تطورات این اندیشه در تاریخ قابل بررسی و تحلیل باشد. ثانیاً، علمایی انتخاب شده‌اند که به لحاظ اعتبار و شهرت برجسته هستند و آثار ایشان به حدی از شهرت رسیده که محل استناد محققان بعدی قرار گرفته است. بررسی این امر بیشتر متمرکز به ائمه‌ای است که درباره شهادت آنها اختلاف نظر وجود دارد. بنابراین، در بیشتر اکثر این بررسی‌ها، درباره شهادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، امام مجتبی علیه‌السلام، امام حسین علیه‌السلام، امام کاظم علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام نقل قول نمی‌شود. شخصیت‌های مزبور عبارتند از:

شیخ طبرسی (د ۵۴۸)، صاحب کتاب *اعلام الوری بأعلام الهدی*؛<sup>۳</sup>

ابن شهر آشوب (م ۵۸۸)، صاحب کتاب *مناقب آل ابی طالب*؛<sup>۴</sup>

Tārīkh Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.2, Fall & Winter 2019\_2020

۱. محمدبن محمدبن نعمان مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۲۶۹-۲۷۱.

۲. همان، باب ذکر وفاة الرضا علی بن موسی علیه‌السلام و سببها و طرف من الأخبار فی ذلك.

۳. کتاب *اعلام الوری بأعلام الهدی*، نوشته شیخ طبرسی است. بیشتر بزرگانی که درباره زندگانی معصوم علیه‌السلام قلم زده‌اند، در بسیاری از ابواب کتاب خود، نام *اعلام الوری* و طبرسی را به عنوان منبع نقل خود ذکر کرده‌اند؛ از جمله: سیدمحسن امین، در *عیان الشیعه*، در شرح حال ائمه، از این کتاب زیاد نقل کرده است. کتاب *شریف مرحوم طبرسی*، چهار رکن - به ترتیب - شش بایی، پنج بایی، ده بایی، و دو قسمی دارد و هر باب و قسم، دارای چندین فصل است. مرحوم طبرسی کتاب خود را به گونه‌ای گرد آورده که مقبول شیعه و سنی باشد و به همین علت، تنها از منابع شیعه نقل نکرده، بلکه از قریب ۲۰ کتاب، که منابع او بود. ۸ کتاب از کتب اهل سنت و ۱۲ کتاب از کتب شیعه نقل کرده است.

سیدبن طاووس (د ۶۶۴)، صاحب کتاب مصباح الزائر<sup>۲</sup> و اقبال الأعمال<sup>۳</sup>؛

مرحوم اربلی (د ۶۹۲)، صاحب کتاب کشف الغمّة فی معرفة الأئمة<sup>۴</sup>؛

علامه مجلسی (د ۱۱۱۱)، صاحب کتاب بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار<sup>۵</sup>؛

محدث قمی (د ۱۳۵۹)، صاحب کتاب منتهی الأمال فی تواریخ النبی و الال<sup>۶</sup>.

۱. در بین قریب یکصد کتاب مناقب، کتاب ابن شهر آشوب را می‌توان یکی از کتب برتر دانست که همگان را به تحسین واداشته است. دوران حیات ابن شهر آشوب، دوران شکوفایی علم در بلاد اسلامی بود در این دوران، کتابخانه رونق فراوان یافت و کتاب‌های بسیاری تألیف گشت. آمار کتاب‌های کتابخانه‌های بغداد و حلب به صدها هزار نسخه می‌رسید که در اختیار مؤلفان و دانشمندان قرار داشت. آنان در تألیفات خود، به نسخه‌های نفیسی که در دست داشتند، مراجعه می‌کردند. کتاب مناقب آل ابی‌طالب<sup>۷</sup> در چنین فضایی تألیف شد و در حدی از اعتبار قرار گرفت که علمای شیعه و سنی به آن اعتماد کرده، روایات آن را بدون هیچ تشویش خاطری نقل می‌نمودند. این کتاب در چهار جلد تنظیم شده که از پیامبر اکرم<sup>۸</sup> و زندگی‌نامه و فضایل آن حضرت شروع شده و به امام حسن عسکری<sup>۹</sup> ختم شده است.
۲. این کتاب نوشته سیدبن طاووس است که در آن به بیان آداب سفر و همچنین زیارت حضرات معصوم و امامزادگان<sup>۱۰</sup> پرداخته است. مرحوم سید سند و منبع زیارت‌نامه‌ها را ذکر نکرده (و علت آن را رعایت اختصار گفته)، اما اشاره نموده که آنها را از روایات گرفته است. کتاب با مقدمه‌ای کوتاه در بیان آثار رحمت الهی، وجوب اطاعت از رسول خدا و لزوم بزرگداشت ائمه اطهار<sup>۱۱</sup> و قبور ایشان با دلایل عقلی آغاز شده و با استناد به روایاتی در ضرورت و ثواب زیارت قبور ائمه<sup>۱۲</sup>، وارد موضوع اصلی گردیده است.
۳. این کتاب درباره اعمال و ادعیه ماه‌های قمری است که سیدبن طاووس آنرا در سال ۵۰ق در سن ۶۰ سالگی در کربلا نگاشته است. به سبب اهمیت ماه رمضان، ادعیه مربوط به آن یک کتاب با عنوان المصمار شده که سید آن را با اقبال الاعمال در یک مجموعه عرضه کرده است. این کتاب ارزش زیادی در بین علمای شیعه دارد و زیاد به آن استناد شده است؛ از جمله شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان مکرر به آن استناد کرده است. با توجه به غنای کتابخانه شخصی سیدبن طاووس از کتب نفیس، معتبر، خطی و منحصر به فرد و همچنین توجه ایشان به مقوله دعا، اقبال الاعمال به اثر گران‌سنگی تبدیل است.
۴. این کتاب درباره زندگی و فضایل پیامبر اکرم<sup>۱۳</sup> و اهل بیت آن حضرت است و در دو جزء تنظیم شده و فاقد باب‌بندی و فصل‌بندی است، منتهی تمام مطالب آن، پس از مقدمه مؤلف در ذیل شانزده عنوان کلی مطرح شده است. اربلی ابتدا به شرح احوال پیامبر<sup>۱۴</sup> و زندگی‌نامه آن حضرت پرداخته، پس برخی از فضایل بنی‌هاشم را بیان نموده و در ادامه احوال حضرت علی<sup>۱۵</sup> و حضرت فاطمه<sup>۱۶</sup> و حضرت خدیجه<sup>۱۷</sup> را شرح داده است. آن‌گاه بقیه معصومان<sup>۱۸</sup> را به ترتیب ذکر کرده است. وی درباره پیامبر و هریک از ائمه، ابتدا نام و ولادت آنها را ذکر نموده و سپس زندگی‌نامه آنان را به تفصیل نقل کرده است. پس از آن، فضایل و معجزات و افتخارات آنان را بیان نموده و اولاد و نسب آنها را آورده است. وصیت‌نامه‌ها و ماجرای شهادت و وفات آن بزرگواران نیز قسمتی از عناوین کتاب را تشکیل داده است.
۵. کتاب بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الاطهار<sup>۱۹</sup> دائرةالمعارف بزرگ حدیث و از عمده‌ترین و گسترده‌ترین جوامع حدیثی شیعه است که روایات کتب حدیث را با تبویب و نظم نسبتاً کاملی جمع نموده و شامل تمام مباحث اسلامی از تفسیر قرآن و تاریخ گرفته تا فقه و کلام است. علامه مجلسی، که علوم عقلی و نقلی گوناگون عصر خویش را خوانده و در هریک از آنها استادی توانمند بود، همت خویش را معطوف به کلمات گهربار معصومان<sup>۲۰</sup> نمود و تمام تلاش خود را در حفظ و تعلیم و تعلم آنها صرف کرد و با این اقدام بی‌نظیر، ده‌ها هزار روایت ارزشمند را از خطر نابودی نجات داد.
۶. کتاب منتهی الأمال فی ذکر تواریخ النبی و الال یکی از آثار مرحوم شیخ عباس قمی است. این کتاب ارزشمند درباره زندگی چهارده معصوم<sup>۲۱</sup> بوده و تاکنون ارزش خود را حفظ کرده است؛ زیرا مؤلف به تفصیل از زندگی آن بزرگواران سخن گفته و مطالب خود را براساس منابع معتبر و فراوان تدوین نموده است. منتهی الأمال از چهارده باب تشکیل شده که هر یک به زندگی یکی از

## ۶. شهادت ائمه علیهم‌السلام در باور شیخ طبرسی

شیخ طبرسی قابل به شهادت همه حضرات معصومین علیهم‌السلام است و از این رو، نظر متفاوتی نسبت به شیخ مفید دارد. او درباره امام حسن عسکری علیه‌السلام ذکر می‌نویسد: که بسیاری از اصحاب ما (علمای شیعه) قایل‌اند که امام حسن عسکری علیه‌السلام به علت مسمومیت به شهادت رسیده است. سپس به همان حدیثی که قبلاً اشاره شد از امام صادق علیه‌السلام استناد می‌کند که می‌فرماید: «هیچ کس از ما ائمه علیهم‌السلام نیست، مگر آنکه مقتول یا شهید شده است».

شیخ طبرسی در نهایت می‌نویسد: خدا به حقیقت این امر داناتر است.<sup>۱</sup>

البته در ذکر وفات امام سجاده علیه‌السلام<sup>۲</sup>، امام باقر علیه‌السلام<sup>۳</sup>، امام صادق علیه‌السلام<sup>۴</sup> و امام جواد علیه‌السلام<sup>۵</sup> به شهادت ایشان تصریح نمی‌کند، اما به شهادت امام هادی علیه‌السلام تصریح دارد.<sup>۶</sup>

از این نظر، دیدگاهی شبیه شیخ مفید دارد که در فصل مربوط به ائمه‌ای که ذکر شد - بجز امام هادی علیه‌السلام و امام حسن عسکری علیه‌السلام - به شهادت آنان تصریح نمی‌کند. از جهت دیگر، از شیخ صدوق تأثیر پذیرفته که با بیان روایت مذکور، قایل به شهادت همه ائمه علیهم‌السلام شده است.

## ۷. شهادت ائمه علیهم‌السلام در باور ابن شهر آشوب

ابن شهر آشوب هم در خصوص شهادت ائمه علیهم‌السلام دیدگاهی متفاوت با شیخ مفید دارد و قایل به شهادت همه امامان شیعه است. او در این زمینه به حدیث امام صادق علیه‌السلام (که فرمود: به خدا قسم، همه ما ائمه علیهم‌السلام مقتول و شهید از دنیا می‌رویم) استناد کرده است.<sup>۷</sup>

ابن شهر آشوب در ذکر وفات هریک از ائمه علیهم‌السلام نیز شهادت تک‌تک ایشان را تأیید کرده و در بیشتر این موارد، به شیخ صدوق استناد نموده است. ابن استناد درباره امام سجاده علیه‌السلام<sup>۱</sup>، امام باقر علیه‌السلام<sup>۲</sup>، امام صادق علیه‌السلام<sup>۳</sup> و امام هادی علیه‌السلام<sup>۴</sup>

معصومان علیهم‌السلام پرداخته است. هر باب هم فصل‌هایی دارد که - به ترتیب - از احوال شخصی، مختصری از مناقب و فضایل، حوادث خاص مربوط به هر امام، فرزندان و خانواده، روات و اصحاب ایشان می‌پردازد. چنان که انتظار می‌رود، زندگی پیامبر، امیرمؤمنان و به ویژه امام حسین علیه‌السلام بخش بیشتری از این کتاب را به خود اختصاص داده است. محدث قمی در بیان مطالب، غالباً منابع خود را نام برده است. همچنین در لابه‌لای مطالب، با عبارت «مؤلف می‌گوید» به توضیحات یا اظهارنظرهایی درباره اخبار و گزارش‌های نقل شده پرداخته و بر غنای آن افزوده است. با آنکه بیان مؤلف، فارسی و البته به سبک دوران مؤلف است، عبارات عربی مانند سخنان معصومان و متن دعاها و اشعار نیز فراوان نقل شده و غالباً ترجمه گردیده است.

۱. فضل‌بن حسن طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۱۳۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۸۰.

۳. همان، ج ۱، ص ۴۹۹.

۴. همان، ج ۱، ص ۵۱۴.

۵. همان، ج ۲، ص ۹۱.

۶. همان، ۱۱۰.

۷. محمدبن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۰۹.

مشاهده می‌شود. درباره امام جواد<sup>ع</sup> قول به شهادت را بدون نقل قول از شیخ صلوق پذیرفته و در خصوص امام حسن عسکری<sup>ع</sup> قول به شهادت را با تعبیر «یقال» (گفته می‌شود) آورده است.

تفاوت دیدگاه/ابن شهر آشوب با شیخ مفید در پذیرش یا ردّ شهادت تک تک ائمه<sup>ع</sup> است (که همه را پذیرفته) و به نظر نمی‌رسد استناداتی که به شیخ صلوق در تأیید خبر شهادت می‌کند، به معنای گره زدن باور به شهادت ائمه<sup>ع</sup> به اعتقادات باشد؛ زیرا حدیث ذکر شده درباره شهادت، در فصلی آمده که عنوان آن «فصلی در مصائب اهل بیت<sup>ع</sup>» است.<sup>۷</sup> بنابراین، ابن شهر آشوب این امر را به عنوان یکی از مصائب اهل بیت<sup>ع</sup> با استناد روایی ذکر کرده است و صحتی از باور اعتقادی نمی‌کند. همان گونه که بیان شد، درباره امام حسن عسکری<sup>ع</sup> شهادت ایشان را با تردید بیان می‌دارد.

به باور برخی محققان، با توجه به دیدگاه‌های ابن شهر آشوب در فقه و اصول، ایشان پیرو مکتب متکلمان (مکتب شیخ طوسی) نبوده و نباید او را منتسب به این مکتب کرد.<sup>۸</sup>

در مجموع می‌توان گفت از جهت باور به شهادت ائمه<sup>ع</sup>، ایشان دیدگاهی شبیه شیخ صلوق و از جهت نزدن آن به باورهای اعتقادی، تفکری شبیه شیخ مفید دارد.

#### ۸. شهادت ائمه<sup>ع</sup> در نظر سیدبن طاووس

سیدبن طاووس در کتاب *مصباح الزائر* در فصلی که «زیارت برای هر امام<sup>ع</sup>» نام دارد، به بیان چند زیارت جامعه پرداخته است. در اولین زیارت، خطاب به امام معصوم<sup>ع</sup> آمده است: «سنت‌ها را احیا کردی و بدعت‌ها را میراندی و در حالی که شهید شدی از دنیا رفتی».<sup>۹</sup>

سید همچنین در کتاب *اقبال الاعمال*، در اعمال ماه رمضان، صلواتی را بر پیامبر<sup>ص</sup> و اهل بیت<sup>ع</sup> ایشان ذکر می‌کند و درباره هریک از معصومان، ضمن درود بر ایشان، بر قاتل آن حضرت نفرین نموده و ابتدا از قاتل او با عنوان «ضاعف العذاب علی من شرک فی دمه» (مضاعف کن عذاب را بر آنکه در خونتش شریک است) یاد کرده و سپس نام قاتل را ذکر نموده است.<sup>۱۰</sup> ایشان تنها درباره حضرت رسول اکرم<sup>ص</sup> این عنوان را نیاورده و همچنین

۱. همان، ج ۴، ص ۱۷۶.

۲. همان، ص ۲۱۰.

۳. همان، ص ۲۸۰.

۴. همان، ص ۴۰۱.

۵. همان، ص ۳۷۹.

۶. همان، ص ۴۲۲.

۷. همان.

۸. احمد پاکتچی، مکاتب فقه امامی ایران، ص ۱۵۶.

۹. علی بن موسی ابن طاووس، *مصباح الزائر*، ص ۴۶۳.

۱۰. علی بن موسی ابن طاووس، *اقبال الاعمال*، ج ۱، ص ۹۶-۹۸.

درباره حضرت زهرا علیها السلام از عبارت مذکور استفاده نکرده و نوشته است: «آنکه ایشان را آزرده». در خصوص امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام هم نام قاتلان آنان را ذکر نکرده است.

ایشان قاتل امام سجاده علیه السلام را ولید بن عبدالملک<sup>۱</sup>، قاتل امام باقر علیه السلام را ابراهیم بن ولید<sup>۲</sup>، قاتل امام صادق علیه السلام را منصور<sup>۳</sup>، قاتل امام کاظم علیه السلام را هارون الرشید<sup>۴</sup>، قاتل امام رضا علیه السلام را مأمون<sup>۵</sup>، قاتل امام جواد علیه السلام را معتصم<sup>۶</sup>، قاتل امام هادی علیه السلام را متوکل<sup>۷</sup> و قاتل امام حسن عسکری علیه السلام را معتمد<sup>۹</sup> کرده است.

بنابراین، ایشان به شهادت همه ائمه علیهم السلام باور دارد. البته در برخی آثار خود، به جزئیات شهادت هم اشاره کرده است (مثل امام مجتبی علیه السلام) که اینجا ذکر نکردیم.

در بررسی اندیشه مرحوم اربلی درباره شهادت ائمه علیهم السلام ذکر خواهد شد که ایشان در خصوص شهادت امام رضا علیه السلام می‌نویسند: از قول کسی شنیده است که سیدین طاووس قتل امام رضا علیه السلام به دست مأمون را با توجه به روابط خوب ایشان، بعید می‌داند.<sup>۱۰</sup> این مطلب مرحوم اربلی در آثار برجای مانده از سیدین طاووس موجود نیست. ممکن است در آثاری از ایشان بوده که اکنون در دست ما نیست. از سویی دیگر، خود اربلی مدعی است که این قول را از کسی شنیده است، نه اینکه در کتابی از سید دیده باشد. البته مشاهده شد که سید در *اقبال الاعمال* به شهادت امام رضا علیه السلام به دست مأمون تصریح دارد.

## ۹. شهادت ائمه علیهم السلام در باور مرحوم اربلی

مرحوم اربلی قایل به شهادت همه ائمه علیهم السلام است. ایشان ضمن نقل روایت شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، با استناد به حدیث امام صادق علیه السلام - که قبلاً بیان شد - شهادت همه امامان را پذیرفته است.<sup>۱۱</sup>

ایشان مانند شیخ مفید در فصل مربوط به بیان وفات امام سجاده علیه السلام<sup>۱۲</sup>، امام باقر علیه السلام<sup>۱۳</sup>، امام صادق علیه السلام<sup>۱۴</sup>، امام جواد علیه السلام<sup>۱</sup>، امام هادی علیه السلام<sup>۲</sup> و امام حسن عسکری علیه السلام<sup>۳</sup> اشاره مستقیم به شهادت ایشان نکرده و به ذکر زمان وفات و محل قبر ایشان اکتفا نموده است.

Tārikh Islam dar Āyene-ye Pazhuhehsh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.2, Fall & Winter 2019\_2020

۱. همان، ص ۹۷. «ضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلٰی مَنْ قَتَلَهُ [وَ هُوَ الْوَلِيدُ]».
۲. همان، «ضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلٰی مَنْ شَرِكَ فِي دِمِهِ [وَ هُوَ اِبْرَاهِيْمُ بْنُ الْوَلِيْدِ]».
۳. همان، «ضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلٰی مَنْ شَرِكَ فِي دِمِهِ [وَ هُوَ الْمَنْصُورُ]».
۴. همان، ضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلٰی مَنْ شَرِكَ فِي دِمِهِ [وَ هُوَ الرَّشِيْدُ]».
۵. همان، ضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلٰی مَنْ شَرِكَ فِي دِمِهِ [وَ هُوَ الْمَأْمُونُ]».
۶. همان، ضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلٰی مَنْ شَرِكَ فِي دِمِهِ [وَ هُوَ الْمُعْتَصِمُ]».
۷. همان، ضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلٰی مَنْ شَرِكَ فِي دِمِهِ [وَ هُوَ الْمُتَوَكَّلُ]».
۸. طبق بیشتر گزارش‌های تاریخی، شهادت امام هادی علیه السلام در دوران معتز عباسی بوده است و متوکل در زمان حیات ایشان کشته شد.
۹. «ضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلٰی مَنْ شَرِكَ فِي دِمِهِ [وَ هُوَ الْمُعْتَمِدُ]».

۱۰. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الائمه علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۸۲.

۱۱. همان، ص ۴۳۰. امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا قسم، همه ائمه علیهم السلام مقتول یا شهید از دنیا می‌رویم».

۱۲. همان، ص ۸۲.

۱۳. همان، ص ۱۱۹.

۱۴. همان، ص ۱۶۲.

البته دربارهٔ شهادت امام رضا علیه السلام بعد از ذکر مطالب شیخ مفید در این زمینه، اشاره می‌کند که از قول کسی شنیده است که سید بن طاووس شهادت امام رضا علیه السلام را به دست مأمون بعید می‌دانسته است:

رسیده به من از کسی که بر قول او اعتماد هست که سید رضی الدین علی بن طاووس - رحمه الله - موافقت نموده بر آنکه مأمون - علیه اللعنه - آن حضرت را زهر داده؛ و این اعتقاد را نداشت. سید مطالعه بسیار فرموده بود و تحقیق و تفتیش بلا حد می‌کرد بر مثل این، و آنچه ظاهر می‌شد از مأمون از مهریانی و شفقت نسبت به آن حضرت و میل او به سوی وی و اختیار کردن او او را از غیراهل و اولاد خود را مؤید قول سید است و مقرر آن. و شیخ مفید - رحمه الله - ذکر کرد چیزی چند که نقد دل من قبول نمی‌کند آن را؛ و شاید وهمی باشد، و چگونه امام علیه السلام عیب کند پسران سهل را نزد مأمون و تقیح ذکر ایشان نماید؟ و نبود که اشتغال نموده باشد به امر دین و آخرت خود و مشغولی به حق در مثل این. و بر رأی شیخ مفید - رحمه الله - دولت مذکوره از اصل فاسد است و بر غیر قاعدهٔ مرضیه است. پس اتهام آن حضرت به وقیعه، که در باب ایشان فرموده تا اغراء ایشان باشد به تغییر رأی خلیفه بر او، در اوست آنچه در اوست از ناخوشی. باز نصیحت کردن آن حضرت مأمون را و اشارت او بر او به چیزی که فایده دهد در دین او سبب قتل او نمی‌گردد و موجب آن نمی‌شود که او مرتکب این چنین امری عظیم شود، و کافی است در امری که او را منع کند از دخول بر او یا بازدارد او را از وعظ و نصیحت او، باز معلوم نکرده‌ام و ندانسته که چون سوزن را بنشانند در انگور آن مسموم و زهرناک گردد، و شاهد نیست به این قیاس طبی. والله تعالی أعلم بحال الجمیع.<sup>۴</sup>

البته علامه مجلسی در *بحار الانوار*، این بیان *اریلی* را رد کرده و نوشته است: استبعادی ندارد که مأمون در ظاهر به امام رضا علیه السلام محبت کند و به سبب حيله‌گری‌اش، با خدعه ایشان را مسموم و شهید کرده باشد.<sup>۵</sup>

در جمع‌بندی می‌توان گفت: مرحوم *اریلی* از جهتی دیدگاهی شبیه شیخ مفید دارد؛ دربارهٔ تک‌تک ائمه علیهم السلام، به خبر شهادت تصریح نکرده است. بنابراین، باور به شهادت را جزء اعتقادات نداشته است. اما تفاوت نظر ایشان با شیخ، در برآیند ایشان در خصوص شهادت همهٔ ائمه علیهم السلام است که با استناد به حدیث مذکور از شیخ *صوق*، شهادت همهٔ ائمه علیهم السلام را قبول کرده و از این حیث، از او اثر پذیرفته است.

#### ۱۰. شهادت ائمه علیهم السلام در باور علامه مجلسی

علامه مجلسی قابل به شهادت همهٔ ائمه علیهم السلام است. ایشان در نقل وفات همهٔ ائمه علیهم السلام، روایاتی مبنی بر شهادت ایشان آورده است. روایت اول مربوط به خطبهٔ امام حسن مجتبی علیه السلام بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام است که آن حضرت در این خطبه از

۱. همان، ص ۳۶۱.

۲. همان، ص ۳۸۴.

۳. همان، ص ۴۰۳.

۴. همان، ص ۲۸۲.

۵. محمدباقرین مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۴۹، ص ۳۱۳.



رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که امامت بر دست دوازده تن از اهل بیت علیهم السلام و برگزیدگان از خاندان ایشان است که همه آنها مقتول یا مسموم از دنیا می‌روند.<sup>۱</sup> روایت دوم را از *اعلام‌الوری* مرحوم طبرسی نقل کرده که ضمن اشاره به شهادت امام حسن عسکری علیه السلام روایت امام صادق علیه السلام (مبنی بر اینکه همه ائمه علیهم السلام مقتول یا شهید از دنیا می‌روند) را نقل نموده است.<sup>۲</sup>

علامه مجلسی در *بحارالانوار* به اختلاف نظر شیخ مفید و شیخ صدوق اشاره کرده و با نقل بیان هر دو بزرگوار، در مقام جمع‌بندی و حل مسئله نوشته است: «با وجود اخبار بسیاری که به شکل کلی بر نظر شیخ مفید دلالت دارد، و اخبار خاصی هم که بر شهادت بیشتر ائمه علیهم السلام و کیفیت آن دلالت دارد - که آن را در ابواب تاریخ وفات ائمه علیهم السلام خواهیم آورد - نمی‌توان حکم به رد شهادت ائمه علیهم السلام و ارجاف آن کرد، بلکه بجز در خصوص امیرالمؤمنین علیه السلام حضرت فاطمه علیها السلام، امام مجتبی علیه السلام، امام حسین علیه السلام، امام موسی بن جعفر علیه السلام و امام علی بن موسی الرضا علیه السلام اخبار متواتر در تأیید شهادت معصومان علیهم السلام که یقین به شهادت آنها به وجود آورده نیست. اما ظن قوی بر شهادت همه این حضرات است و دلیلی هم بر رد این امر اقامه نشده است. قراین احوال ایشان و احوال مخالفان آنها هم، به‌ویژه که وفات ائمه علیهم السلام در شرایط حبس نزد مخالفان و تحت تسلط آنها بوده، شاهدی بر شهادت ایشان است. منظور شیخ مفید (از نظری که در کتاب *تصحیح الاعتقاد* بیان نموده) هم نفی تواتر و یقین در این زمینه است و نه رد اخبار (وارد شده در خصوص شهادت ائمه علیهم السلام)».<sup>۳</sup>

جمع‌بندی علامه مجلسی هم نشان می‌دهد که ایشان شهادت ائمه علیهم السلام را به عنوان «خبر تاریخی» مورد بحث و بررسی قرار داد. و اتفاقاً قایل است به اینکه مسئله شیخ مفید هم الزاماً رد قطعی شهادت برخی ائمه علیهم السلام نیست، بلکه یقین و تواتر خبر را نپذیرفته است. پس علامه مجلسی شهادت ائمه علیهم السلام را از باورهای اعتقادی ندانسته که تأیید و رد آن اثری بر ایمان و کفر داشته باشد. بنابراین، از این حیث، دیدگاه ایشان شبیه شیخ مفید است. البته به استناد حدیثی که ذکر شد، شهادت همه ائمه علیهم السلام را قبول کرده و از این حیث، نظر شیخ صدوق را پذیرفته است.

## ۱.۱. شهادت ائمه علیهم السلام در باور محدث قمی

محدث قمی در ذکر وفات حضرات معصوم علیهم السلام، شهادت همه ایشان را پذیرفته است. همچنین با استناد به حدیث ذیل از امام مجتبی علیه السلام، این باور را مجدداً تأیید کرده است:

و همانا حدیث کرد مرا جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله که دوازده تن از اهل بیت و صفوت او مالک امت و خلافت باشند؛ و هیچ‌یک از ما نخواهد بود، الا آنکه مقتول یا مسموم شود.<sup>۴</sup>

همچنین حدیثی را از امام رضا علیه السلام نقل کرده است که می‌فرماید: «هیچ‌یک از ما اهل بیت نیست، مگر اینکه کشته می‌گردد و شهید می‌شود».<sup>۵</sup>

Tārikh Islam dar Āyene-ye Pazhuhehsh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.2, Fall & Winter 2019\_2020

۱. همان، ج ۲۷، ص ۲۱۶-۲۱۷.

۲. همان، ج ۵۰، ص ۲۳۷-۲۳۸.

۳. همان، ج ۲۷، ص ۲۱۶.

۴. عباس بن محمد رضا قمی، منتهی الآمال فی تواریخ النبوی و الال، ج ۱، ص ۳۵۶ و ۴۴۱.

۵. همان، ج ۲، ص ۴۸۵.

ایشان به عنوان یک «محدث» در نقل‌هایی که در کتاب *منتهی‌الامال* آورده، استنادات فراوانی به آثار شیخ صدوق و *الارشاد* شیخ مفید دارد، اما قبول شهادت ائمه علیهم‌السلام را مرتبط با اعتقادات دینی نمی‌داند که در ایمان و کفر انسان اثرگذار باشد. اما شهادت همهٔ ایشان را پذیرفته و استناد به احادیث فوق مؤید این امر است.

### نتیجه‌گیری

دربارهٔ شهادت ائمه علیهم‌السلام باید گفت: گزارش‌ها و روایات مربوط به هریک از ائمه علیهم‌السلام از لحاظ میزان تواتر در نقل، یکسان نیست. در خصوص برخی ائمه علیهم‌السلام خبر شهادت ایشان متواتر است و روایت‌های متعدد مؤید این سخن است. (مثل امیرالمؤمنین علیه‌السلام، امام مجتبی علیه‌السلام، امام حسین علیه‌السلام و امام موسی بن جعفر علیه‌السلام). اما در خصوص بعضی دیگر از ایشان، خبر شهادت متواتر نیست (یعنی دربارهٔ امام سجاده علیه‌السلام، امام باقر علیه‌السلام، امام صادق علیه‌السلام، امام رضا علیه‌السلام، امام جواد علیه‌السلام، امام هادی علیه‌السلام و امام حسن عسکری علیه‌السلام).

تفاوت دیدگاه مکتب حدیثی قم و مکتب عقلی بغداد، اولاً، در خصوص ارتباط باور به شهادت ائمه اطهار علیهم‌السلام با باورهای اعتقادی است. شیخ صدوق با توجه به احادیث رسیده دربارهٔ تأیید شهادت ائمه علیهم‌السلام، ردّ این موضوع را ردّ امام و رسول‌الله و خدای متعال دانسته که معادل با کفر و خروج از دین است. اما شیخ مفید هرگونه ارتباط بین باور به شهادت ائمه علیهم‌السلام و اعتقادات را رد کرده و این امر را مثل دیگر اخبار و نقل‌های تاریخی می‌داند که در جای خود، باید بررسی شود. برابند اثر این دو مکتب در تاریخ‌نگاری شیعه در قرون بعدی تا قرن ۱۴ هجری، نشان می‌دهد که شهادت ائمه علیهم‌السلام به عنوان یکی از اصول اعتقادی انگاشته نشده و از این حیث، تأثیر مکتب عقلی و شیخ مفید کاملاً دیده می‌شود. از سوی دیگر، به استناد احادیثی که از ائمه علیهم‌السلام بیان شد، تاریخ‌نگاران شیعه بعد از شیخ مفید، شهادت همهٔ امامان را (به عنوان گزارش تاریخی یا با استناد به احادیث ائمه علیهم‌السلام) پذیرفته‌اند و تردیدهای شیخ مفید دربارهٔ وقوع شهادت ائمه علیهم‌السلام کمتر در آثار ایشان دیده می‌شود (به نمونه‌هایی از این تردیدها در نظرات شیخ طبرسی و مرحوم *ربلی* اشاره شد) و از این نظر، تأثیر مکتب حدیثی و شیخ صدوق نمایان است.

بهترین جمع‌بندی در این زمینه، همان مطلبی است که علامه مجلسی دربارهٔ اختلاف شیخ مفید و شیخ صدوق بیان داشته است: خبر شهادت برخی امامان علیهم‌السلام به حد تواتر نیست؛ اما اولاً، خبری بر ردّ شهادت ایشان (و قطعیت بر مرگ طبیعی) نیست، و ثانیاً، شرایط زندگی ائمه علیهم‌السلام و خفقان ایجاد شده توسط دشمنان ایشان، مؤید خبر شهادت ایشان است. شرایطی که ائمه علیهم‌السلام در دوران حیات خود داشتند، با فشارها، تبعیدها و تهدیدهای فراوان همراه بوده است و در خصوص ائمه متأخر (بعد از امام رضا علیه‌السلام) این محدودیت‌ها به حدی است که ایشان در شرایط پادگانی زیر نظر دشمن زندگی می‌کردند و عمر این امامان علیهم‌السلام هم بسیار کوتاه بود و در سنین جوانانی از دنیا رفتند. این شرایط، قرابنی بر تأیید این امر است که همگی به مرگ غیرطبیعی (مقتول و شهید) از دنیا رفته‌اند.

## منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی بن ابی‌الکرم، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی، *مناقب آل ابی‌طالب* علیهم‌السلام، قم، علامه ۱۳۷۹ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، *اقبال الأعمال*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- \_\_\_\_\_، *مصباح الزائر*، بیروت، مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام لإحياء التراث، ۱۳۷۵.
- ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، نجف اشرف، المرتضویه، ۱۳۵۶.
- اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة* علیهم‌السلام، تبریز، بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ق.
- پاکتچی، احمد، *مکاتب فقه امامی ایران پس از شیخ طوسی تا پایگیری مکتب حله*، تهران، دانشگاه امام صادق علیهم‌السلام، ۱۳۹۵.
- خانجانی، قاسم، *شیخ مفید و تاریخ‌نگاری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
- صدوق، محمدبن علی، *الامالی*، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.
- \_\_\_\_\_، *عیون اخبار الرضا*، تهران، جهان، ۱۳۷۸ق.
- \_\_\_\_\_، *اعتقادات الامامیه*، قم، دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
- \_\_\_\_\_، *من لایحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری یا اعلام الهدی*، قم، آل‌البتیت ۱۴۱۷ق.
- طوسی، محمدبن حسن، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- قمی، عباس بن محمد رضا، *منتهی الأمال فی تواریخ النبی و الأهل*، تهران، دلیل‌ما، ۱۳۷۹.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار* علیهم‌السلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان مفید، *اوائیل المقالات فی المنهاج و المختارات*، قم، دارالمفید، ۱۴۱۳ق.
- \_\_\_\_\_، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، دارالمفید، ۱۴۱۳ق.
- \_\_\_\_\_، *المقنعه*، قم، دارالمفید، ۱۴۱۰ق.
- \_\_\_\_\_، *تصحیح الاعتقادات الامامیه*، قم، دارالمفید، ۱۴۱۳ق.